

تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت و هیجان‌خواهی دانشجویان دانشگاه تهران

سوده رحمانی*

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی

مسعود غلامعلی لواسانی

دانشیار دانشگاه تهران

زهرآ تنها

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی

چکیده

جنسیت متغیر مهمی است که تأثیر آن بر شخصیت و هیجان‌خواهی در پژوهش‌های مختلفی بررسی شده است. نتایج این پژوهش‌ها در برخی موارد متناقض است که می‌تواند نشان از نقش فرهنگ بر این روابط باشد. لذا، پژوهش حاضر با هدف، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در پنج عامل بزرگ شخصیت و هیجان‌خواهی در دانشجویان دانشگاه تهران اجرا شد. نمونه‌ای شامل ۱۷۷ دانشجوی مقطع کارشناسی (دختر= ۱۰۸، پسر= ۶۹) به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی از دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران انتخاب شدند و به پرسشنامه پنج عاملی شخصیت کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) و مقیاس هیجان‌خواهی نسخه پنجم زاگرم (۱۹۷۸) پاسخ دادند. براساس یافته‌ها، تفاوت معناداری میان دختران و پسران در پنج عامل بزرگ شخصیت وجود داشت. دختران نمرات معنادار بالاتری در گشودگی به تجربیات و توافق‌پذیری نسبت به پسران کسب کردند. همچنین، تفاوت معناداری در هیجان‌خواهی دختران و پسران به‌دست آمد. پسران به‌طور معناداری نمرات بالاتری در زیر مقیاس‌های هیجان‌طلبی و ماجراجویی، نابازداری و حساسیت به ملالت، نسبت به دختران کسب کردند.

واژگان کلیدی

گشودگی به تجربیات؛ توافق‌پذیری؛ هیجان‌خواهی؛ تفاوت‌های جنسیتی

* نویسنده مسئول

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۶/۱۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۴/۱

مقدمه و بیان مسئله

تأثیر تفاوت‌های جنسیتی^۱ بر شخصیت^۲ در مطالعات متعددی (کوکس^۳، ۱۹۹۴؛ زاگرمین^۴، ۱۹۹۴؛ فینگولد^۵، ۱۹۹۴؛ ویزبرگ، دییانگ و هیرش^۶، ۲۰۱۱) بررسی شده است. سه فراتحلیل اصلی فینگولد (۱۹۹۴)، شوکین، وانگ و راکلین^۷ (۱۹۹۵) و کاستا، تراسیانو و مک کری^۸ (۲۰۱۱) این مطالعات را بررسی کردند و نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی، تحت تأثیر تفاوت‌های جنسیتی قرار دارند. فینگولد (۱۹۹۴) چهار فراتحلیل برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی در زمینه شخصیت انجام داد. نتایج نشان داد که مردان نسبت به زنان جرأت‌ورزتر هستند و اعتماد به نفس بالاتری دارند. در مقابل، برون‌گردی^۹، اضطراب، اطمینان و خصوصاً مهربانی زنان بیش از مردان بود. دومین فراتحلیل توسط شوکین و همکاران (۱۹۹۵) در زمینه نقش تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت با روش خودگزارشی پنج عامل بزرگ انجام شد. نتایج این پژوهش با بررسی ۷۶ مطالعه با ۳۵ مقیاس شخصیت مختلف نشان داد که زنان نسبت به مردان در دو عامل روان‌آزردگی‌گرایی^{۱۰} و توافق‌پذیری^{۱۱} نمرات معنادار بالاتری کسب کردند. فراتحلیل مهم دیگر مربوط به مطالعه کاستا و همکاران (۲۰۰۱) است که با بررسی پنج عامل بزرگ شخصیت در ۲۶ فرهنگ مختلف به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های شخصیتی به‌طور گسترده‌ای با کلیشه‌های جنسیتی^{۱۲} هماهنگ هستند. براساس گزارش شرکت‌کنندگان، زنان از روان‌آزردگی‌گرایی، توافق‌پذیری، ملایمت و گشودگی^{۱۳} به احساسات بالاتری بهره‌مند هستند،

-
1. Gender Differences
 2. Personality
 3. Cox
 4. Zuckerman
 5. Feingold
 6. Weisberg, DeYoung & Hirsh
 7. Shuqin, Wang & Rocklin
 8. Costa, Terracciano & McCrae
 9. Extraversion
 10. Neuroticism
 11. Agreeableness
 12. Gender Stereotypes
 13. Openness

در حالی که، مردان جرأت‌ورزی و گشودگی به ایده‌های بالاتری دارند. همچنین، پژوهش‌های متعددی نشان دادند که زنان نمرات بالاتری در دو عامل روان‌آزردگی‌گرایی و توافق‌پذیری کسب کردند (شوکین و همکاران، ۱۹۹۵؛ گلدبرگ و همکاران^۱، ۱۹۹۸؛ بوداوا^۲، ۱۹۹۹؛ کاستا و همکاران، ۲۰۰۱؛ گودوین و گوتلیب^۳، ۲۰۰۴؛ مک کری و همکاران، ۲۰۰۵؛ چپمن و همکاران^۴، ۲۰۰۷؛ اسمیت و همکاران^۵، ۲۰۰۸؛ شکری، کدیور و دانشورپور، ۱۳۸۶) در حالی که، مردان نمرات بالاتری در عامل گشودگی به تجربیات به‌دست آوردند (گودوین و گوتلیب، ۲۰۰۴؛ شکری و همکاران، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نتایج برخی پژوهش‌ها در زمینه برون‌گردی و وجدانی بودن^۶ متناقض بوده است. در برخی پژوهش‌ها (گودوین و گوتلیب، ۲۰۰۴؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۸) زنان و در دیگر پژوهش‌ها (شکری و همکاران، ۱۳۸۶) مردان نمرات معنادار بالاتری در این دو عامل کسب کردند. مطابق با همین تناقضات، فینگولد (۱۹۹۴) و کاستا و همکاران (۲۰۰۱) بیان کردند که تفاوت‌های جنسیتی در برون‌گردی و گشودگی به تجربیات ناهمخوان یا قابل چشم‌پوشی است. کاستا و همکاران (۲۰۰۱) در توضیح این نتایج بیان کردند که مردان در برخی از زیر مقیاس‌های برون‌گردی و گشودگی و زنان در دیگر زیر مقیاس‌ها نمرات بالاتری کسب می‌کنند. همچنین، به‌نظر می‌رسد که تفاوت کمی میان زنان و مردان در زیر مقیاس‌های وجدانی بودن وجود داشته باشد.

عامل دیگری که بررسی نقش آن خصوصاً در میان جوانان و دانشجویان حائز اهمیت است، هیجان‌خواهی^۷ است. هیجان‌خواهی جستجوی هیجان‌ها و تجربه‌های متنوع، تازه، پیچیده و پرشور و استقبال از خطرات بدنی، اجتماعی، قانونی و مالی به خاطر خود این تجربه‌ها است (زاکرم، ۱۹۹۴). توصیف هیجان‌خواهی بر پایه مدلی است که تحت تأثیر عوامل ژنتیکی، زیستی، فیزیولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی است (زاکرم، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱؛ ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۶).

1. Goldberg, Sweeney, Merenda & Hughes
2. Budaev
3. Goodwin & Gotlib
4. Chapman, Duberstein, Sörensen & Lyness
5. Schmitt, Realo, Voracek & Allik
6. Conscientiousness
7. Sensation Seeking

شواهد نشان می‌دهد که هیجان‌خواهی خصوصیات دوگانه جنسیتی دارد (بال، فانیل و وانگمن^۱، ۱۹۸۴؛ بوتکوویک و براتکو^۲، ۲۰۰۳؛ کروس، سیرن و براون^۳، ۲۰۱۳). برخی از محققان (وگنر^۴، ۲۰۰۱؛ پیسزینسکی^۵، ۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که مردان تمایل بیشتری به انجام رفتارهای پرخطر دارند. پژوهش‌های پیشین (بال و همکاران، ۱۹۸۴؛ زاگرمین و همکاران^۶، ۱۹۹۱؛ زاگرمین، ۱۹۹۴؛ روزنبلیت و همکاران^۷، ۲۰۰۱؛ روت، شوماچر و برهلیر^۸، ۲۰۰۵؛ میشرای و لالومیر^۹، ۲۰۱۱) با استفاده از ابزارهای گوناگون برای نمونه مقیاس هیجان‌خواهی زاگرمین^{۱۰} و پرسش‌نامه هیجان‌خواهی آرنِت^{۱۱} - تفاوت معناداری را بین هیجان‌خواهی زنان و مردان نشان دادند و بیان کردند که هیجان‌خواهی مردان بیش‌تر از زنان است.

مرور پژوهش‌های دیگر در نمونه‌های مختلف نشان داد که مردان در زیر مقیاس‌های هیجان‌طلبی و ماجراجویی^{۱۲} (بال و همکاران، ۱۹۸۴؛ زاگرمین و همکاران، ۱۹۹۱؛ زاگرمین، ۱۹۹۴)، نابازداری^{۱۳} (زاگرمین و همکاران، ۱۹۹۱؛ اسکورث^{۱۴}، ۱۹۹۵؛ جک و رونان^{۱۵}، ۱۹۹۸؛ بوتکوویک و براتکو، ۲۰۰۳؛ هروماتکو و بوتکوویک^{۱۶}، ۲۰۰۹) و حساسیت به ملالت^{۱۷} (زاگرمین، ۱۹۹۴) نمرات بالاتر معناداری نسبت به زنان کسب کردند. در زمینه زیر مقیاس

1. Ball, Farnill & Wangeman
2. Butkovic & Bratko
3. Cross, Cyrenne & Brown
4. Wagner
5. Pyszczynski
6. Kuhlman, Thornquist & Kiers
7. Rosenblitt, Soler, Johnson & Quadagno
8. Roth, Schumacher & Brahler
9. Mishra & Lalumiere
10. Zuckerman Sensation Seeking Scale (SSS)
11. Arnett Inventory of Sensation Seeking (AISS)
12. Thrill and Adventure Seeking
13. Disinhibition
14. Schroth
15. Jack & Ronan
16. Hromatko
17. Boredom Susceptibility

تجربه‌جویی^۱ نتایج پژوهش‌ها، تناقضاتی را نشان دادند. در برخی از پژوهش‌ها نیز هیچ تفاوتی بین دو جنس مشاهده نشد (زاگرمن، ۱۹۹۴؛ ایکورث، ۱۹۹۵؛ محوی شیرازی، ۱۳۸۷؛ جک و رونان، ۱۹۹۸؛ اسلاتسک^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). در حالی‌که، در برخی دیگر، مردان نمرات بالاتری کسب کردند (بال و همکاران، ۱۹۸۴) و در برخی دیگر، زنان نمرات بالاتری کسب کردند (هروماتکو و بوتکوویک، ۲۰۰۹).

دلایل مختلفی برای وجود تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت و هیجان‌خواهی مطرح شده است. فینگولد (۱۹۹۴) در گزارش خود سه مدل کلی بیان می‌کند که دلایل اصلی تفاوت‌های جنسیتی را در نظر می‌گیرد. مدل اول، مدل‌های زیستی^۳ هستند که بر عوامل ذاتی و زیستی زیر بنای تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت تأکید دارند. نمونه مناسب برای این مدل نظرات زاگرمن (۱۹۹۱) است. مدل فرهنگی - اجتماعی^۴ دومین مدل است که بر عوامل فرهنگی و اجتماعی تأکید دارد که به تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت منجر می‌شود. نمونه مناسب برای این مدل، مدل نقش اجتماعی^۵ (ایگلی^۶، ۱۹۸۷؛ ایگلی و وود^۷، ۱۹۹۱) است. سومین مدل، مدل زیستی - اجتماعی^۸ است که عوامل زیستی و فرهنگی - اجتماعی را به‌عنوان دو علت اصلی تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت در نظر می‌گیرد.

عامل فرهنگ یکی از عواملی است که می‌تواند نقش تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های شخصیتی و هیجان‌خواهی را تحت تأثیر قرار دهد. مکوبی^۹ (۲۰۰۰) ادعا کرد که زنان و مردان بسیار شبیه به هم هستند و خود را براساس اسنادهای مشترکی که افراد در فرهنگ معین دارند، درک می‌کنند. کاستا و همکاران (۲۰۰۱) متوجه شدند که میزان تفاوت‌های جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و بیان کردند که تفاوت‌های جنسیتی در فرهنگ‌های

-
1. Experience Seeking
 2. Slutske
 3. Biological Models
 4. Socio-Cultural Model
 5. Social Role Model
 6. Eagly
 7. Wood
 8. Biosocial Model
 9. Maccoby

برابری طلب و مرفه - فرهنگ‌های اروپایی و آمریکایی - که در آن‌ها فرصت‌های برابر زنان با مردان بیش‌تر است و نقش‌های جنسیتی سنتی به حداقل رسیده، بیش‌تر از سایر فرهنگ‌هاست. اسمیت و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند که سطوح بالای دوگانگی جنسیتی در کشورهای توسعه یافته به دلیل این است که ویژگی‌های شخصیتی مردان و زنان کم‌تر محدود شده و می‌توانند به صورت طبیعی ویژگی‌های متفاوتی را نشان دهند. همچنین، هیجان‌خواهی فرهنگ‌های غربی و سفید پوستان نسبت به آسیایی‌ها و رنگین پوستان بیش‌تر است (شولتز و شولتز، ۲۰۰۹).

با توجه به مطالب بیان شده و تأثیر عوامل فرهنگی در ایجاد تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت و هیجان‌خواهی، همچنین وجود تناقضات پژوهشی مطرح شده، بر آن شدیم تا این پژوهش را در بافت فرهنگی ایران در میان نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه تهران اجرا کنیم.

روش پژوهش

طرح این پژوهش غیرآزمایشی و از نوع علی‌مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی دانشگاه تهران است. در این پژوهش دانشکده‌ها به چهار طبقه اصلی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و هنر تقسیم شدند. با توجه به تعداد افراد جامعه، در مجموع ۱۷۷ نفر (۱۰۸ دختر و ۶۹ پسر) از دانشکده‌های مختلف (۹۸ نفر علوم انسانی، ۴۰ نفر علوم پایه، ۱۶ نفر فنی و ۲۳ نفر هنر) به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی براساس جنس و رشته تحصیلی انتخاب شدند. میانگین سنی گروه نمونه ۲۲/۴۶ با انحراف استاندارد ۲/۹۹ در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۸ سال بود.

اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش از طریق دو پرسشنامه جمع‌آوری شد. به این طریق که، ابتدا برای انجام دادن مطالعه مقدماتی، ۳۳ نفر از دانشجویان انتخاب و به پرسشنامه اولیه پاسخ دادند. سپس، اطلاعات جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل شد و پس از اطمینان از ویژگی‌های فنی و استاندارد بودن پرسشنامه‌ها، فرم نهایی آن تهیه و برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد.



الف) پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی^۱ کاستا و مک کری (۱۹۹۲): نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه عوامل شخصیت کاستا و مک کری (۱۹۹۲) شامل ۶۰ سؤال و پنج گزینه (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) است و برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت (روان‌آزردگی‌گرایی، برون‌گردی، گشودگی، توافق‌پذیری و وجدانی‌بودن) به کار می‌رود. بررسی‌های انجام شده اعتبار^۲ آن را در فاصله‌های ۳ ساله بین ۰/۶۳ تا ۰/۷۹ و شش ساله بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ گزارش داده‌اند (کاستا و مک کری، ۱۹۸۸). این پرسشنامه را در ایران حق‌شناس (۱۳۷۸) بر روی ۵۰۲ نفر از افراد بدون سابقه روان‌پزشکی در فاصله میانگین ۶ و ۷ ماه هنجاریابی کرد. برای تعیین اعتبار از طریق آلفای کرونباخ برای ۵ عامل اصلی به ترتیب ضرایب ۰/۷۱، ۰/۵۷، ۰/۷۱، ۰/۸۳ و به روش بازآزمایی به ترتیب ضرایب ۰/۵۳، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۶۰، ۰/۶۴ به دست آمده است. در این پژوهش پنج عامل اصلی به ترتیب ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۵۳، ۰/۶۱ و ۰/۸۱ را نشان دادند.

ب) مقیاس هیجان‌خواهی نسخه پنجم زاگرمین (۱۹۷۸): نسخه پنجم مقیاس هیجان‌خواهی یک پرسشنامه چهار ماده‌ای است و شامل یک نمره کلی و چهار زیرمقیاس (هیجان‌طلبی و ماجراجویی، تجربه جویی، نابازداری و حساسیت به ملالت) است. اعتبار و روایی^۳ مقیاس هیجان‌خواهی نسخه پنجم در مطالعات متعددی گزارش شده و مورد پذیرش همگان قرار گرفته است (زاگرمین، ۱۹۹۴؛ ۲۰۰۷). کجیاف، نشاط‌دوست و خالوئی (۱۳۸۴) اعتبار این مقیاس را با روش بازآزمایی ۰/۷۹ گزارش دادند. در پژوهش حاضر، مقیاس هیجان‌خواهی نسخه پنجم زاگرمین پس از ترجمه و ایجاد تغییرات لازم در برخی از ماده‌ها برای هماهنگ‌تر شدن با فرهنگ جامعه، اجرا شد. اعتبار نمره کلی و چهار زیرمقیاس با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۰/۹۷، ۰/۹۷ و ۰/۹۶ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

۱۷۷ دانشجوی (۱۰۸ دختر و ۶۹ پسر) در این پژوهش بررسی شدند. قبل از ارائه آماره‌های

-
1. NEO- Five Factor Inventory
 2. Reliability
 3. Validity

استنباطی، مشخصات توصیفی عوامل بزرگ شخصیت به تفکیک دانشجویان پسر و دختر در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی بر حسب پنج عامل بزرگ شخصیتی در دانشجویان دختر و پسر

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
روان‌آزردگی‌گرایی	دختر	۲۱/۳۱	۷/۴۷
	پسر	۲۰/۵۵	۷/۷۸
برون‌گردی	دختر	۲۹/۷۶	۷/۰۶
	پسر	۲۸/۵۷	۶/۵۸
گشودگی	دختر	۲۹/۴۴	۵/۰۵
	پسر	۲۷/۶۱	۴/۶۷
توافق‌پذیری	دختر	۳۱/۳۶	۵/۲۳
	پسر	۲۹/۴۵	۴/۵۴
وجدانی‌بودن	دختر	۳۲/۰۸	۶/۹۰
	پسر	۳۱/۲۸	۷/۳۵

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین‌های هر پنج عامل در دختران بیش از پسران است. بالاترین میانگین (۳۲/۰۸) مربوط به عامل وجدانی‌بودن در گروه دانشجویان دختر و پایین‌ترین میانگین (۲۰/۵۵) مربوط به عامل روان‌آزردگی‌گرایی در گروه دانشجویان پسر است. به منظور مقایسه پنج عامل بزرگ شخصیت براساس دو گروه دختر و پسر، از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. لازم به ذکر است که قبل از اجرای آزمون، همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین بررسی شد و با توجه به برقرار بودن مفروضه‌ها آزمون‌ها اجرا شدند.

جدول ۲: آزمون‌های چندمتغیری برای اثر جنس بر پنج عامل بزرگ شخصیت

متغیر	آزمون	ارزش	F	سطح معناداری
جنس	اثر پیلایی	۰/۰۹	۳/۳۲	۰/۰۰۷
	لامبدای ویلکز	۰/۹۱	۳/۳۲	۰/۰۰۷
	اثر هاتلینگ	۰/۱۰	۳/۳۲	۰/۰۰۷
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۱۰	۳/۳۲	۰/۰۰۷



آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها انجام شد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نتایج نشان داد که آزمون‌های معناداری تحلیل واریانس چند متغیری در پنج عامل بزرگ شخصیت در سطح $P < 0/01$ معنادار است. با توجه به معنادار بودن اثر جنس بر پنج عامل شخصیتی (لامبدای ویلکز = $0/91, 0/91, P < 0/01, F = 3/32$)، تفاوت معنادار بین گروه دختر و پسر در متغیر پنج عامل بزرگ شخصیت وجود دارد. با توجه به معنادار بودن آزمون‌های تحلیل واریانس چند متغیری، تجزیه و تحلیل واریانس تک متغیری برای هر یک از عوامل وابسته جداگانه محاسبه شد. خلاصه نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳: تحلیل واریانس تک متغیری برای هر یک از پنج عامل بزرگ شخصیت به‌طور جداگانه

متغیر وابسته	مجموع مجزورات نوع سوم (SS)	درجه آزادی (df)	میانگین مجزورات (MS)	F	سطح معناداری
روان‌آزردگی‌گرایی	۲۳/۹۹	۱	۲۳/۹۹	۰/۴۲	۰/۵۲۰
برون‌گردی	۶۰/۰۳	۱	۶۰/۰۳	۱/۲۷	۰/۲۶۲
گشودگی	۱۴۱/۸۸	۱	۱۴۱/۸۸	۵/۹۰	۰/۰۱۶
توافق‌پذیری	۱۵۳/۸۹	۱	۱۵۳/۸۹	۶/۲۳	۰/۰۱۴
وجدانی‌بودن	۲۷/۴۹	۱	۲۷/۴۹	۰/۵۵	۰/۴۶۰

نتایج نشان داد که فقط F محاسبه شده در عامل گشودگی ($5/90$) و عامل توافق‌پذیری ($6/23$) در سطح ($P < 0/05$) با درجه آزادی ۱ معنادار هستند. در نتیجه، بین عامل گشودگی و توافق‌پذیری در دو گروه غیر دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، با توجه به میانگین‌های ارائه شده در جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان دختر در عامل گشودگی ($29/44$) و توافق‌پذیری ($31/36$) به‌طور معناداری نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان پسر کسب کرده‌اند. قبل از ارائه آماره‌های استنباطی، مشخصات توصیفی هیجان‌خواهی به تفکیک دانشجویان پسر و دختر در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: شاخص‌های توصیفی بر حسب زیر مقیاس‌های هیجان‌خواهی در دانشجویان دختر و پسر

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
هیجان‌طلبی و ماجراجویی	دختر	۶/۱۴	۲/۵۹
	پسر	۷/۲۳	۲/۲۳
تجربه‌جویی	دختر	۳/۰۲	۲/۰۹
	پسر	۳/۵۹	۲/۰۷
نا‌بازداری	دختر	۳/۱۵	۲/۱۸
	پسر	۳/۹۷	۲/۷۳
حساسیت به ملالت	دختر	۳/۰۷	۱/۶۴
	پسر	۳/۶۵	۱/۴۵

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، میانگین تمام زیر مقیاس‌های هیجان‌خواهی در گروه دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر است. همچنین بالاترین میانگین (۷/۲۳) مربوط به زیرمقیاس هیجان‌طلبی و ماجراجویی در گروه دانشجویان پسر و کم‌ترین میانگین (۳/۰۲) مربوط به زیرمقیاس تجربه‌جویی در دانشجویان دختر است. به‌منظور مقایسه زیر مقیاس‌های هیجان‌خواهی، براساس دو گروه دختر و پسر، تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. لازم به ذکر است که قبل از اجرای آزمون، همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین بررسی شد و با توجه به برقرار بودن مفروضه‌ها آزمون‌ها اجرا شدند.

جدول ۵: آزمون‌های چند متغیری برای اثر وابستگی به اینترنت بر زیرمقیاس‌های هیجان‌خواهی

متغیر	آزمون	ارزش	F	سطح معناداری
جنس	اثر پیلایی	۰/۰۷	۳/۳۴	۰/۰۱۲
	لامبدای ویلکز	۰/۹۳	۳/۳۴	۰/۰۱۲
	اثر هاتلینگ	۰/۰۸	۳/۳۴	۰/۰۱۲
	بزرگترین ریشه	۰/۰۸	۳/۳۴	۰/۰۱۲

روی



چنان‌که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، آزمون‌های معناداری تحلیل واریانس چند متغیری درباره‌ی زیر مقیاس‌های هیجان‌خواهی در سطح ($P < 0/05$) معنادار است. با توجه به معنادار بودن اثر جنس بر زیر مقیاس‌های هیجان‌خواهی (لامبدای ویلکز = $0/93$ ، $P < 0/05$ ، $3/34$ ، $F=$) تفاوت معنادار بین دختر و پسر در متغیر هیجان‌خواهی وجود دارد. با توجه به معنادار بودن آزمون‌های تحلیل واریانس چند متغیری، تجزیه و تحلیل واریانس تک متغیری برای هر یک از متغیرهای وابسته جداگانه محاسبه شد. خلاصه‌ی نتایج در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: تحلیل واریانس تک متغیری برای هر یک از زیر مقیاس‌های هیجان‌خواهی به‌طور جداگانه

متغیر وابسته	مجموع مجذورات نوع سوم SS	درجه آزادی df	میانگین مجذورات MS	F	سطح معناداری
هیجان‌طلبی و ماجراجویی	۴۸/۲۴	۱	۴۸/۲۴	۷/۹۷	۰/۰۰۵
تجربه جویی	۱۳/۳۷	۱	۱۳/۳۷	۳/۰۸	۰/۰۸۱
نابازداری	۲۷/۴۶	۱	۲۷/۴۶	۴/۷۶	۰/۰۳۰
حساسیت به ملالت	۱۳/۵۸	۱	۱۳/۵۸	۵/۵۲	۰/۰۲۰

چنانچه در جدول ۶ مشاهده می‌شود، F محاسبه شده برای زیر مقیاس هیجان‌طلبی و ماجراجویی (۷/۹۷) در سطح ($P < 0/01$) و زیر مقیاس‌های نابازداری (۴/۷۶) و حساسیت به ملالت (۵/۵۲) در سطح ($P < 0/05$) معنادار هستند. در نتیجه، بین زیر مقیاس‌های هیجان‌طلبی و ماجراجویی، نابازداری و حساسیت به ملالت در دو گروه دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین، با توجه به میانگین‌های ارائه شده در جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان پسر در زیر مقیاس‌های هیجان‌طلبی و ماجراجویی (۷/۲۳)، نابازداری (۳/۹۷) و حساسیت به ملالت (۳/۶۵) به‌طور معناداری نمرات بالاتری را نسبت به دانشجویان دختر کسب کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

تفاوت‌های جنسیتی، ویژگی‌های شخصیت و هیجان‌خواهی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، تفاوت‌های جنسیتی به نوبه خود تحت تأثیر بافت فرهنگی خاصی است که افراد

در آن پرورش می‌یابند. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی تفاوت‌های جنسیتی در پنج عامل بزرگ شخصیت و هیجان‌خواهی در بافت فرهنگی ایران بر روی دانشجویان دانشگاه تهران انجام شد.

نتایج پژوهش نشان‌دهنده اثر معنادار جنسیت بر پنج عامل بزرگ شخصیت بود که با تفسیر فینگولد (۱۹۹۴) از نقش تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت، یعنی تأثیر عوامل زیستی، اجتماعی - فرهنگی و اجتماعی-زیستی، همخوان است. تفاوت‌های هورمونی و فیزیولوژیکی میان زنان و مردان، بافت اجتماعی، انتظارات و هنجارها از هر دو جنس در اجتماع، تأثیر رسانه‌ها در اجتماعی شدن، ویژگی‌های فرهنگی، مذهب غالب در جامعه و نقش‌های مورد قبول جنسیتی در هر جامعه می‌تواند به ایجاد تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت منجر شود. از منظر اجتماعی، تأثیرات فرهنگی متنوع، نقش‌های مختلفی برای افراد در نظر می‌گیرند و بدین ترتیب، زنان و مردان به گونه‌های متفاوت از هم جامعه‌پذیر می‌شوند (وود و ایگلی، ۲۰۰۲ و ایگلی و وود، ۲۰۰۵).

به نظر می‌رسد با پذیرفتن این مفروضه که همه انسان‌ها گونه‌هایی با ریشه‌های ژنتیکی همسان هستند، بسیاری از روان‌شناسان شخصیت، بر شباهت‌های فرهنگی و جنسیتی، بیش از تفاوت‌های آن تأکید می‌کنند. برای مثال، گلدبرگ (۱۹۸۱)، نقل از تریاندیس و سو^۱ (۲۰۰۲) معتقد است که پنج عامل شخصیت جنبه جهان شمول دارند، چرا که هر یک از این صفات در همه فرهنگ‌ها سبب بقای نوع بشر می‌شوند. با این حال، دراد^۲ و همکاران (۱۹۹۸)، نقل از تریاندیس و سو (۲۰۰۲) مطالعه‌ای را درباره تفاوت‌های بین فرهنگی در پنج عامل شخصیت پیشنهاد کردند. بر این اساس، کاستا و مک کری (۱۹۹۲) پیشنهاد کردند که صفات اصلی شخصیتی بین فرهنگی هستند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد در تفسیر نتایج مطالعاتی با محوریت خصوصیات شخصیتی، توجه همزمان به مدل‌های زیستی و اجتماعی می‌تواند به تبیین بهتر نتایج کمک کند.

نتایج این پژوهش نشان داد که دختران به‌طور معناداری از گشودگی به تجربیات بالاتری نسبت به پسران بهره‌مند هستند که با نتایج پژوهش گودوین و گوتلیب (۲۰۰۴) و شکری و

-
1. Triandis & Shu
 2. DeRaad

همکاران (۱۳۸۶) همخوان است. بنا به دیدگاه فینگولد (۱۹۹۴) تفاوت‌های جنسیتی در گشودگی به تجربیات، ناهمخوان یا قابل چشم‌پوشی است. در توضیح این پدیده نتایج کاستا و همکاران (۲۰۰۱) نشان داد که نمرهٔ پسران در برخی از زیر مقیاس‌های گشودگی مثل گشودگی به ایده‌ها بالاتر است، در حالی که، نمرهٔ دختران در برخی دیگر از زیر مقیاس‌های گشودگی مثل گشودگی به زیبایی‌شناسی و گشودگی به احساسات بالاتر است. بنابراین، مقایسه گشودگی کلی بدون در نظر گرفتن زیر مقیاس‌های آن مناسب به نظر نمی‌رسد. دلیل وجود تناقض در نتایج این پژوهش با برخی پژوهش‌ها می‌تواند به دلیل در نظر نگرفتن زیرمقیاس‌ها باشد.

یافته‌ها همچنین نشان داد که توافق‌پذیری در دختران به‌طور معناداری بیش از پسران است که با نتایج بسیاری از پژوهش‌ها (شوکین و همکاران، ۱۹۹۵؛ گلدبرگ و همکاران، ۱۹۹۸؛ بوداوا، ۱۹۹۹؛ کاستا و همکاران، ۲۰۰۱؛ گودوین و گوتلیب، ۲۰۰۴؛ مک کری و همکاران، ۲۰۰۵؛ چپمن و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۸؛ شکری و همکاران، ۱۳۸۶) همخوان است. این یافته می‌تواند از طریق نظریه‌های تکاملی و نقش اجتماعی تفسیر شود. در تبیین تکاملی توافق‌پذیری بالاتر زنان به مزیت‌های انطباقی برای تولید مثل و نگهداری فرزندان نسبت داده می‌شود که دربرگیرندهٔ ویژگی‌هایی چون مهربانی، دلسوزی، همکاری، اعتماد، هم‌حسی، سازگاری در زنان است (باس، ۱۹۹۵). در تبیین از طریق نظریه نقش اجتماعی رفتارهای پرورش و توافق‌پذیری بالاتر زنان به فرایند اجتماعی شدن با نقش جنسیتی زنانه نسبت داده می‌شود که به جامعه‌پذیری متفاوت زنان براساس نقش‌های مورد انتظار جامعه منجر می‌شود (ایگلی، ۱۹۸۷).

نتایج این پژوهش نشان‌دهندهٔ اثر معنادار جنسیت بر هیجان‌خواهی بود که از طریق دیدگاه‌های تکاملی و فرهنگی تبیین‌پذیر است. دیدگاه‌های تکاملی، تفاوت زنان و مردان در هیجان‌خواهی را به دلیل تفاوت در فرایند انتخاب بر روی اجداد بشر در نظر می‌گیرد (مک‌دونالد^۱، ۲۰۰۸). مردانی در دستیابی به منابع و همسر گزینی موفق‌تر هستند که قدرت بیش‌تری برای رقابت دارند و بیش‌تر ریسک می‌کنند، درحالی‌که زنانی که ریسک کم‌تری

می‌کنند می‌توانند از نسل بعد خود بهتر مراقبت کنند (آرچر^۱، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد که عوامل فرهنگی در بروز این صفات تأثیرگذار باشند. براساس نقش‌ها و کلیشه‌های جنسی در فرهنگ‌های مختلف، مردان تمایل بیش‌تری به فعالیت‌های پرخطر و جدید نشان می‌دهند و هیجان‌ات خود را به شکل گسترده‌تری ابراز می‌کنند (بودا، ۱۹۹۹). در بیش‌تر فرهنگ‌ها شرایط برای بروز هیجان‌ات در مردان بیش از زنان است. نوع رابطه والدین و فرزندان در دو جنس غالباً متفاوت است. این تفاوت در نوع برخورد و انتظارات در محیط‌های آموزشی و شغلی ادامه می‌یابد و شرایط را برای بالفعل شدن هیجان‌ات در مردان آماده‌تر می‌کند.

پسران به‌طور معناداری در زیر مقیاس هیجان‌طلبی و ماجراجویی نمرات بالاتری نسبت به دختران کسب کردند. منظور از هیجان‌طلبی و ماجراجویی، تمایل به فعالیت‌ها یا ورزش‌هایی است که در برگیرنده خطر یا ریسک جسمی باشند مثل کوهنوردی، پریدن با چتر، غواصی، سرعت در رانندگی و مواردی از این قبیل (زاگرمن، ۱۹۹۴). هیجان‌طلبی و ماجراجویی بالا در پسران با نتایج پژوهش‌های زاگرمن و همکاران (۱۹۹۱)، زاگرمن (۱۹۹۴)، و بال و همکاران (۱۹۸۴) همخوان است. از آنجایی که مردان نسبت به زنان از قدرت خطرپذیری بیش‌تری بهره‌مند هستند (برونسن و هووارد^۲، ۲۰۰۹) در برخورد با موقعیت‌های جدید و جستجوی هیجان بیش‌تر موقعیت‌های غیر قابل پیش‌بینی را ترجیح داده و خطر می‌کنند. زاگرمن (۱۹۷۸) بیان می‌کند که ساختار بدنی، ترشح هورمون‌ها و آنزیم‌های مردانه، همچنین پذیرش نقش‌های اجتماعی که بر استقلال و خودکفایی مردان تأکید دارد، آن‌ها را در شرایطی قرار می‌دهد که تمایل بیش‌تری نسبت به انجام دادن رفتارهای پرخطر مانند چتربازی، رانندگی با سرعت و غیره داشته باشند. بال و همکاران (۱۹۸۴) نیز تأکید کردند که هیجان‌طلبی و ماجراجویی بیش از سایر زیر مقیاس‌های هیجان‌خواهی، تفاوت‌های جنسیتی را نشان می‌دهند.

از دیگر یافته‌های پژوهش این بود که پسران به‌طور معناداری از نابازداری بالاتری نسبت به دختران بهره‌مند هستند. نابازداری شامل مواردی است که توضیح دهنده نیاز به رفتارهای بازداری نشده در قلمرو اجتماعی است (زاگرمن، ۱۹۹۴). نابازداری بالا در پسران با نتایج

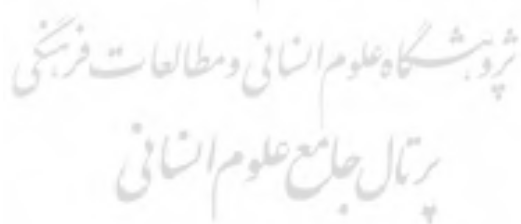
-
1. Archer
 2. Bronson & Howard

پژوهش‌های زاكرمن و هم‌كاران (۱۹۹۱)، اسكورث (۱۹۹۵)، جك و رونان (۱۹۹۸)، بوتكوويك و براتكو (۲۰۰۳) و هروماتكو و بوتكوويك (۲۰۰۹) همخوان است. تفاوت در هورمون‌های جنسی، می‌تواند از عوامل مهم در هیجان‌خواهی بالاتر مردان باشد. میزان هورمون‌های جنسی مردانه خصوصاً تستوسترون با علائم مردانگی، هیجان‌خواهی و نابازداری اجتماعی مرتبط است (زاكرمن، ۱۹۹۴؛ الوجا و گارسیا^۱، ۲۰۰۵). همچنین، بر اساس نتایج، پسران در این پژوهش به‌طور معناداری نمرات بالاتری در حساسیت به ملالت نسبت به دختران کسب کردند. افرادی که حساسیت بالا به ملالت و یکنواختی دارند، از تجربیات تکراری از هر نوع، کارهای عادی یا حتی افراد قابل پیش‌بینی یا خسته‌کننده بیزارند و زمانی که امور تغییرناپذیر و خارج از کنترل می‌شود بی‌قرار می‌شوند (زاكرمن، ۱۹۹۴). حساسیت به ملالت بالا در پسران با یافته‌های زاكرمن (۱۹۹۴) همخوان است.

در تبیین نابازداری و حساسیت به ملالت بالاتر پسران می‌توان به فراتحلیل کروس و همکاران (۲۰۱۳) اشاره کرد. آن‌ها با فراتحلیل ۷۲ مقاله درباره‌ی هیجان‌خواهی که بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۲ به چاپ رسیده بودند به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های جنسیتی در طی این سال‌ها در این دو زیرمقیاس ثابت مانده و در مردان بیش از زنان است. این ثابت با این فرض همخوان است که مردان تمایل شدیدتری به درگیر شدن در تعامل‌های اجتماعی بازداری نشده و اجتناب از فعالیت‌های تکراری نسبت به زنان دارند و این تفاوت‌ها به‌تنهایی استنادپذیر به نقش‌های جنسیتی نیستند. همچنین از دیدگاه اجتماعی اگر هنجارهای اجتماعی منتقل شده و کلیشه‌های ایجادکننده هیجان‌خواهی ثابت مانده باشند، تغییری در نتیجه‌ی پژوهش‌ها در طی زمان نخواهیم داشت.

پژوهش حاضر مانند دیگر پژوهش‌ها با برخی محدودیت‌ها مواجه بود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. این پژوهش درباره‌ی دانشجویان دانشگاه تهران انجام شده است، به همین دلیل تعمیم نتایج باید با احتیاط انجام شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود تا ابزارهایی برای ارزیابی هیجان‌خواهی، متناسب با ویژگی‌های فرهنگی ایرانی تهیه و هنجاریابی شود. استفاده از روش‌های خودگزارش‌دهی مانند پرسشنامه‌ها به‌عنوان روش‌های متداول در اندازه‌گیری تفاوت‌های فردی، اطلاعاتی کاملاً منطبق با واقعیت ارائه نمی‌دهد. بنابراین، توصیه می‌شود در

پژوهش‌های آتی از روش‌های ترکیبی استفاده شود. با توجه به وجود تناقض تفاوت‌های جنسیتی در عوامل برون‌گرددی، گشودگی و وجدانی بودن در نتایج پژوهش‌هایی که از فرم کوتاه شده پرسشنامه شخصیت (۶۰ گویه‌ای) استفاده کردند، پیشنهاد می‌شود تا از فرم بلند این پرسشنامه (۲۴۰ گویه‌ای) در پژوهش‌های آتی استفاده شود تا با در نظر گرفتن زیرمقیاس‌های هر عامل، نتایج به صورت روشنتری ارائه شود. همچنین، به نظر می‌رسد امکان تغییر تفاوت‌های جنسیتی در زمینه شخصیت، هیجان‌خواهی، رفتار و ترجیحات افراد تحت تأثیر تغییرات در نقش‌ها و کلیشه‌های جنسی در طول زمان و در سنین بالاتر (سینوت و شیفرن^۱، ۲۰۰۱؛ وود و ایگلی، ۲۰۱۲) وجود داشته باشد، بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های بعدی از روش فراتحلیل برای بررسی تغییرات در طی زمان و پژوهش‌های طولی برای بررسی تغییرات افراد در سنین بالاتر استفاده شود.





منابع

- شکری، امید، کدیور، پروین، و دانشورپور، زهره (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش ویژگی‌های شخصیت، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳ (۳)، صص: ۲۸۰-۲۸۹.
- کجباف، محمدباقر، نشاط‌دوست، حمیدطاهر، و خالوئی، قاسم (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی، *دانشور رفتار*، ۱۲ (۱۰)، صص: ۶۹-۷۸.
- محو شیرازی، مجید (۱۳۸۷). بررسی اعتبار، پایایی و هنجاریابی مقیاس هیجان‌خواهی زاگرم‌ن با تغییرات وابسته به فرهنگ. *دانشور رفتار*، ۱۵ (۲۸)، صص: ۳۸-۴۸.
- Aluja A., & Garcia L. F. (2005). Sensation seeking, sexual curiosity and testosterone in inmates. *Neuropsychobiology*, 51, pp: 28-33.
- Archer, J. Does sexual selection explain human sex differences in aggression? *Behavioral and brain sciences*, 32, pp: 249-266.
- Ball I. L., Farnill D., & Wangeman J. F. (1984). Sex and age differences in sensation seeking: some national comparisons. *British Journal of Psychology*, 75 (2), pp: 257-265. DOI: 10.1111/j.2044-8295.1984.tb01897.x.
- Bronson, M. E. & Howard, E. (2009). Gender differences and their influence on thrill seeking and risk taking, *webclearinghouse.net*
- Budaev, S. V. (1999). Sex differences in the big five personality factors: Testing an evolutionary hypothesis. *Personality and Individual Differences*, 26, pp: 801-813.
- Buss, D. M. (1995). Evolutionary psychology - a new paradigm for psychological science. *Psychological Inquiry*, 6, 1-30.
- Butkovic, A., & Bratko, D. (2003). Generation and sex differences in sensation seeking: Results of the family study. *Percept Motor Skill*, 97, pp: 965-970.
- Chapman, B. P., Duberstein, P. R., Sörensen, S., & Lyness, J. M. (2007). Gender Differences in Five Factor Model Personality Traits in an Elderly Cohort: Extension of Robust and Surprising Findings to an Older Generation. *Personality and Individual Differences*, 43 (06), pp:1594-1603. doi: 10.1016/j.paid.2007.04.028
- Costa, P. J., Terracciano, A., & McCrae, R. R. (2001). Gender differences Personality traits across cultures: Robust and surprising findings. *Journal of Personality and Social Psychology*, 81 (2), pp: 322-331. doi: 10.1037/0022-3514.81.2.322
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1988). Personality in adulthood: A six year longitudinal study of self reports and spouse ratings on the NEO personality

inventory. *Personality and Social Psychology*, 54, pp: 853- 863.

Costa, P. T., & McCrae, R. R.(1992). Revised NEO personality inventory and NEO five factor inventory: Professional manual. Psychological Assessment; Odessa, FL.

Cox, R. H. (1994). *Sport psychology: Concepts and applications*. Madison: Brown & Benchmark.

Cross, C. P., Cyrenne, D. M., & Brown, G. R. (2013). Sex differences in sensation seeking: a meta-analysis. *scientific reports*, pp: 1-5.

Eagly, A. H. (1987). Sex differences in social behavior: A social-role interpretation. Erlbaum; Hillsdale, NJ.

Eagly, A. H., & Wood, W. (1991). Explaining sex differences in social behavior: A meta-analytic perspective. *Personality and social psychology bulletin*, 17, pp: 306-315.

Eagly, A. H., & Wood, W. (2005). Universal sex differences across patriarchal cultures evolved psychological dispositions. *Behavioral & Brain Sciences*, 28 (2), pp: 281–283.

Feingold, A. (1994). Gender differences in personality: a meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 116 (3), pp: 429–456.

Goldberg, L. R., Sweeney, D. Merenda, P. F., & Hughes, J. E. (1998). Demographic variables and personality: The effects of gender, age, education, and ethnic/racial status on self-descriptions of personality attributes. *Personality and Individual Differences*, 24, pp: 393–403.

Goodwin, R. D., & Gotlib, I. H. (2004). Gender differences in depression: The role of personality factors. *Psychiatry Research*, 126 (2), pp: 135–142.

Hagh shenas, H. (1999). Normalization of NEO personality test, revised form. *Thought and behavior*, pp: 16, 38-47. [In Persian]

Hromatko, I., & Butkovic, A. (2009). Sensation Seeking and Spatial Ability in Athletes: an Evolutionary Account. *Journal of Human Kinetics*, 21, pp: 5-13.

Jack S. J., & Ronan K.R. (1998). Sensation seeking among high and low risk sports participants. *Personality and Individual Differences*, 25, pp: 1063-1083.

Maccoby, E. E. (2000). Gender and relationships: A developmental account. In W. Craig (Ed.), *Childhood social development* (pp: 201-219). Oxford: Blackwell.

Macdonald, K.B. (2008). Effortfull control, explicit processing, and the regulation of human evolved predispositions, *Psychology review*, 115, pp: 1012-1031.

McCrae RR, Terracciano A, & 78 Members of the Personality Profiles of Cultures Project (2005). Universal features of personality traits from the observer's perspective: Data from 50 cultures. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88, pp: 547–561.

Mishra, S., & Lalumiere, M. L. (2011). Individual differences in risk-propensity:



Associations between personality and behavioral measures of risk. *Personality and Individual Differences*, 50, pp: 869-873.

Pyszczyński, T. L. (2002). Gender differences in the willingness to engage in risky behavior: A terror management perspective. *Death Studies*, 26, pp: 117-142.

Rosenblitt, J. C., Soler, H., Johnson, S. E., & Quadagno, D. M. (2001). Sensation Seeking and Hormones in Men and Women: Exploring the Link. *Hormones and Behavior*, 40, pp: 396-402. doi:10.1006/hbeh.2001.1704

Roth, M., Schumacher, J., & Brahler, E. (2005). Sensation seeking in the community: Sex, age and sociodemographic comparisons on representative German population sample. *Personality and Individual Differences*, 39 (7), pp: 1261-1271. doi: 10.1016/j.paid.2005.05.003

Schmitt, D. P., Realo, A., Voracek, M., & Allik, J. (2008). Why can't a man be more like a woman? Sex differences in Big Five personality traits across 55 cultures. *Journal of Personality and Social Psychology*, 94 (1), pp: 168-182. doi:10.1037/0022-3514.94.1.168

Schroth M.L. (1995). A comparison of sensation seeking among different groups of athletes and nonathletes. *Personality and Individual Differences*, 18, pp: 219-222.

Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2009). *Theories of Personality* (9th ed.). Belmont, CA: Wadsworth/Cengage Learning.

Shuqin, G., Wang, X., & Rocklin, T. (1995). *Sex differences in personality: A meta-analysis based on big five factors*. Paper presented at the annual meeting of the American educational research association, San Francisco, CA, pp: 18-22.

Sinnot, J. D. & Shifren, K. (2001). Gender and aging: Gender differences and gender roles. In: Birren, J. E.; Schaie, KW., editors. *Handbook of psychology and aging*. 5th ed. Academic Press; San Diego, CA, pp: 454-467.

Slutske, W. S., Bascom, E. N., Meier, M. H., Medland, S. E., & Martin, N. G. (2011). Sensation seeking in females from opposite versus same sex twin pairs: Hormone transfer or sibling imitation? *Behavior Genetic*, 41, pp: 533-542.

Triandis, H. C. & Shu, E. A. (2002). Cultural influences on personality, *Annual Reviews. California University*.

Wagner, M. K. (2001). Behavioral characteristics related to substance abuse and risk-taking, sensation-seeking, anxiety sensitivity and self-reinforcement. *Addictive Behaviors*, 26, pp: 115-120.

Weisberg, Y. J., DeYoung, C. G., & Hirsh, J. (2011). Gender differences in personality across the ten aspects of the big five. *Original Research Article*, pp: 1-11.

Wood, W., & Eagly, A. H. (2002). A cross cultural analysis of the behavior of women and men: implications for the origins of sex differences. *Psychological Bulletin*, 128, pp: 699-727.

Wood, W., & Eagly, A. H. (2012). Biosocial construction of sex differences and

similarities in behavior. In J. M. Olson & M. P. Zanna (Eds.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 46, pp: 55-123). London, UK: Elsevier.

Zuckerman, M. (1978). Sensation seeking in England and America: Cross-cultural age and sex comparisons. *Consulting and Clinical Psychology*, 46, pp: 139-149.

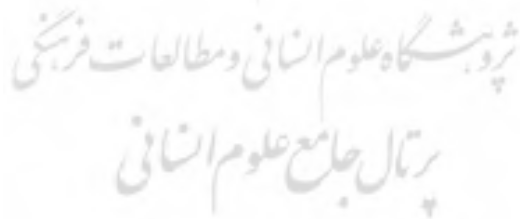
Zuckerman, M. (1990). The psychophysiology of sensation seeking. *Journal of Personality*, 58, pp: 313-341.

Zuckerman, M. (1994). Behavioral expressions and biosocial bases of sensation seeking. New York: Cambridge University Press.

Zuckerman, M. (1996). The psychological model for impulsive unsocialized sensation seeking: A comparative approach. *Neuropsychobiology*, 34, pp: 125-129.

Zuckerman, M. (2007). The sensation seeking scale V (SSS-V): Still reliable and valid. *Personality and Individual Differences*. 43, 1303-1305.

Zuckerman, M., Kuhlman, D. M., Thornquist, M., & Kiers, H. (1991). Five (or three) robust questionnaire scale factors of personality without culture. *Personality and Individual Differences*, 12, pp: 929-941.





نویسندگان

std_srahmani@khu.ac.ir

سوده رحمانی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی، عضو شورای علمی پژوهشکده مطالعات توسعه، استاد مدعو دانشگاه امام صادق (ع)، کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران؛ گذراندن دوره فرصت مطالعاتی در دانشگاه وین؛ نگارش بخش‌هایی از کتاب «تفکر از چپستی تا آموزش» و «پرورش خلاقیت کودکان: راهنمای عملی والدین»؛ همکاری در نگارش کتاب «روان‌شناسی یادگیری از نظریه تا عمل»، مقالات متعدد دارد و در همایش‌های مختلف داخلی و خارجی شرکت کرده‌اند.

lavasani@ut.ac.ir

مسعود غلامعلی لواسانی

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران؛ مقالات متعدد از ایشان به چاپ رسیده و در همایش‌های مختلف داخلی و خارجی شرکت کرده‌اند.

std_ztanha@khu.ac.ir

زهرا تنها

دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی؛ دارای مقالات متعدد است و در همایش‌های مختلف داخلی و خارجی شرکت کرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی